

به یاد
محمد سکر قزوینی

بکوش
ایرج افشار



تهران ۱۳۸۶

عنوان و پدیدآور	: به یاد محمد قزوینی / به کوشش ایرج افشار
مشخصات نشر	: تهران: بنیاد موقوفات دکتر محمود افشار یزدی، ۱۳۸۶.
مشخصات ظاهری	: ۱۶ + ۳۹۰ ص: مصور. نمونه.
فروست	: مجموعه انتشارات ادبی و تاریخی موقوفات دکتر محمود افشار: ۱۱۷
شابک	: گنجینه کتاب و مقالات: ۳۶ 964-6053-37-8
وضعیت فهرست‌نویسی	: فیبا
یادداشت	: این کتاب حاوی پنج مقاله ایران‌شناسی به زبان لاتین است.
یادداشت	: کتابنامه.
موضوع	: قزوینی، محمد، ۱۲۵۶-۱۳۲۸ - یادبودها.
موضوع	: مقاله‌های فارسی - قرن ۱۴
موضوع	: ایران‌شناسی - مقاله‌ها و خطابه‌ها.
شناسه افزوده	: افشار، ایرج، ۱۳۰۴ - گردآورنده.
شناسه افزوده	: بنیاد موقوفات دکتر محمود افشار.
رده‌بندی کنگره	: PIR ۸۱۷۸/۶
رده‌بندی دیویی	: ۸۳۱.۶۲ فا
شماره کتابخانه ملی	: ۱۰۷۹۸۵۶



ناشر	: بنیاد موقوفات دکتر محمود افشار
نام کتاب	: به یاد محمد قزوینی
به کوشش	: ایرج افشار
شمارگان	: ۷۰۰
شماره انتشار	: ۱۱۷
شماره گنجینه کلیات و مقالات	: ۳۶
آماده سازی فنی	: انتشارات ثریا
چاپ	: چاپخانه علمی و فرهنگی کتیبه
صحافی	: سیدین
نوبت چاپ	: اول
سال چاپ	: ۱۳۸۶

حق چاپ برای ناشر محفوظ است

شابک ۸ - ۳۷ - ۶۰۵۳ - ۹۶۴ - ISBN 964-6053-37-8

کنجہ کلیات و مقالات



مجموعه انتشارات ادبی و تاریخی
موقوفات دکتر محمود افشار زدی

شماره ۱۱۷

هیأت گزینش کتاب *

دکتر سید مصطفی محقق داماد - دکتر سید جعفر شهیدی

دکتر محمدرضا شفیعی کدکنی - دکتر ژاله آموزگار - کاوه بیات - ایرج افشار

* - درگذشتگان: دکتر یحیی مهدوی - دکتر جواد شیخ الاسلامی - دکتر اصغر مهدوی

شورای تولیت

متولیان مقامی

رئیس مجلس - رئیس دیوان عالی کشور - وزیر فرهنگ (وزیر آموزش و پرورش) -
وزیر بهداشت و درمان و آموزش پزشکی) - رئیس دانشگاه تهران، یا
معاونان اول هر یک از این پنج مقام (طبق ماده ۲ و قفنامه)

متولیان منصوص و منسوب

دکتر سید مصطفی محقق داماد (رئیس شورا) - دکتر علیمحمد میر (جانشین: دکتر
حسین نژادگشتی) - دکتر محمدرضا شفیعی کدکنی - مهربانو دکتر افشار (دبیر
شورا) - ایرج افشار (بازرس) - ساسان دکتر افشار (بازرس)

هیأت مدیره (منتخب شورای تولیت)

دکتر سید مصطفی محقق داماد	رئیس هیأت مدیره (از شورای تولیت)
ابراهیم ابراهیمی	نایب رئیس هیأت مدیره (از شورای تولیت)، معاون
ایرج رضایی	قضائی دیوان عالی کشور
ایرج شگرف نخعی	مدیرعامل
محمد رسول دریاگشت	خزانه دار
	دبیر

✽

مسئول انتشارات کریم اصفهانیان

درگذشتگان

اللہبار صالح - حبیب‌الله آموزگار - دکتر محمدعلی هدایتی - دکتر مهدی آذر - دکتر یحیی
مهدوی - مهندس نادر افشار - دکتر جواد شیخ‌الاسلامی - دکتر اصغر مهدوی.
اعضای پیشین
شورای تولیت: دکتر جمشید آموزگار - دکتر منوچهر مرتضوی - بهروز افشار یزدی -
ریاست هیئت مدیره: دکتر سید جعفر شهیدی.

بنام پروردگار یادداشت و احوال

اول : طبق ماده ۲۳ و قفنامه اول مورخ یازدهم ۱۳۳۷ ه. ش. (....) درآمد باید صرف ترجمه و تألیف و چاپ کتب رسالات که با هدف این موقوفات موافق باشد و همچنین گنج به مجلد آینده در صورت احتیاج و احوالاً دادن جوایز به نویسندگان شرح دستور این قفنامه گردد.

دوم : هدف اساسی این بنیاد فی طبق ماده ۲۵ و قفنامه (....) تعلیم زبان فارسی و تکمیل حدیثی در ایران میباشد. بنابراین گنجی که با بودجه این موقوفات منتشر شود باید مربوط به لغت و دستور و ادبیات فارسی و جغرافیای تاریخی و تاریخ ایران باشد. کتب کلاسیکی مدارس عمومی نباید با درآمد این موقوفات چاپ شود.

سوم : طبق ماده ۲۶ (مقداری از کتب رسالات چاپ شده یا بودجه این موقوفات باید بطور هدیه و بنام این موقوفات به مؤسسات فرهنگی، کتابخانه و قرائتخانه های عمومی ایران خارج و بعضی از دانشمندان ایران و تشریح خارج فرستاده شود....)

چهارم : چون نظر بازگانی در انتشارات این موقوفات نیست تا حدی که گنج این بنام جایز است طبق ماده ۲۷ و قفنامه هیچ کتاب رساله نباید کمتر از قیمت تمام شده و همچنین مبلغی زائد از بهای تمام شده و افزایش صدی دوامیت قیمت گذاری شود.... این افزایش ۲۵ درصد بواسطه حداقلی از عمده فروشندگان و هزینه ایست که برای پست غیره تحمل میشود از کتابفروشان تقاضا داریم که در این امر خیرگی که ابراجیه تجاری ندارد با ما یاری و تشکر میسازی بنمایند.

پنجم : بر اساس موافقت نامه دوم (مورخ ۱۳۵۲، ۴، ۱۲) که میان اوقفه دانشگاه طهران با امضا رسید، قسمتهای مهمی از رقبات مانند جایگاه سازمان اغتنامه و محفل نوسه باستان شناسی، بطور ایکنان دانشگاه طهران اغتنامه شد و رقبات دیگری هم با درآمد آنها طبق ماده دوم برای اجزای مفاد و قفنامه که از جمله عبارت از دادن جوایز ادبی و

نشرکت تاریخی و لغوی رابع به ایران (به استثنای کتب درسی) میباشد در اختیار دانشگاه طهران قرار گیرد که
وصول نموده و بنام این موقوفات اعطا و نشر گردد.

ششم : چون طبق ماده ۳ موافقت نامه نامبرده مقرر شده است که از طرف ریاست دانشگاه لیغرافتولیان
این موقوفات که از طرف اهف نیز بصورت کتبه انتشارات بنیاد معین شده باشد برای سرپرستی ادار
امور جواز و نشر کتاب انتخاب شود، (ریاست دانشگاه آقای ایرج افشار را که از متولیان شورای است
است از طرف اهف نیز بصورت کتبه نامبرده معین شده بجهت سرپرست انتخاب برقرار نمودند)

هفتم : چون نگارنده این بطور بواسطه کبر سن (۸۶ سال شمسی) از این پس نخواهم توانست به سرپرستی
این کار بپردازم، از این پس تمام اختیارات خود را در انتخاب تألیف و ترجمه و خرید کتب و غیره بفرزند
ارشد خود ایرج افشار واگذار کردم. درین چند سال اخیر هم که دو جلد از تألیفات خودم از طرف
موقوفات بطبع رسیده و با کوشش و سرپرستی می بوده است. کسانی که مایل به همکاری در تألیف یا
ترجمه و نشر کتاب هستند میتوانند با مراجعه کنند. تنها شرط کار موافق بودن تألیف و ترجمه با اهداف
این بنیاد یعنی ترقی ملت و کشور و تعمیم زبان فارسی و تکمیل وحدت ملی در ایران که وطن مشترک زبان می
ومی همه ایرانیان است، میباشد.

هشتم : این یادداشت کلی برای چاپ در آغاز هر یک از نشریات این بنیاد نوشته شده است.

دکتر محمود افشاریزدی

آذرماه ۱۳۵۸. ش.

محمد اسراف

تنگه سوم

کتابی که با بودجه این موقوفات طبع و توزیع میشود باید کاملاً منطبق با نیت واقف و هدف قفسه باشد اگر چه بیافای
مجموعه مانیکه بقلم منتشر شده یا می شود صد در صد این مطابقت اندازد به سبب این است که واقف قصد چاپ آنرا
با مال خود داشت ولی زمانیکه دارایی خود را واقف عام مخصوصاً برای انتشارات کتب تاریخی و ادبی نمود چاپ کتب خود
را هم که دارای همین جنبه است به عمده بنیاد واگذار کرد.

اما این مجوز آن نیست که ناایفایت گیرد و هر نوع که باشد و برسد چاپ نماید کتب نظم و شری از کتب شکان اینگونه
با بودجه آن چاپ خواهد شد که هدف غایی واقف اکثر ترویج زبان سری و تکلم وحدت ملی ایران است و برداشته و کتبی که بوی
از نامیه گزالی و جدایی طلبی و حکایت از رواج زبانهای خارجی به قصد تعسف بان سری، و دیگر چیزهای تفرقه آمیز در
سیاستهای فتنه انگیز داشته باشد نباید با بودجه این موقوفات طبع و توزیع شود.

نکته دیگر آنکه چون شاید برای چاپ کتب و فرسنگ نیت فارسی که دایره مانند مینی- انسکلوپدی باشد، و این نوع کامل
ایران که ادراقی یاد و نیز به بیشتر دارد، و آرد ما هیات بنیاد کفاف خرج آنها را ندهد می توان با اندوختن با یکی این موقوفات چاپ
نمود بشرط آنکه اجازه واقف در زمان حیات و مرافقت شورای تالیف بعد از حیات یا بر کس و مشکایی که قانوناً قائم مقام
در نگه دوم یاد است واقف منتشره در جلد سوم افغان نامه نگاشتم که کتب در سالاتی که با بودجه این موقوفات چاپ
میشود باید منتشره باشد از تحریرات سیاسی مخصوصاً آورده نباشد با غراض سیاسی خارجی و دفاعه پژوهش تاریخی ادبی ایران
شناسی... در پایان آن نگه افزودم بیم داشتیم که مبادا چنین سالاتی سالها بعد از ما نخواسته و گذاشته، و بیاید
بنیاد چاپ شود پس لازم بود که در این یادداشت تذکری داده شود. عمده مخاطب این یادداشت بنیاد موقوفات خود
است نه مؤسسات انتشاراتی دیگر که هر یکت و دشمن خاص خود را دارد و داد و داد خاستی در کار آنها نداریم.

تا زمانی که نویسنده این سطور متولی هستم و فرزند دانشمند من ایرج افشار که به روز نویسندهی کاغذ آگاه میباشد سرپرست انتشارات
این بنیاد است بر عی برای گزالی نخواهد بود بعد از ما هم امید است که این روش را ادامه یابد. ان شاه احمد اردیبهشت ۱۳۵۱

تکلمه و تبصره

پادشاه افغند در زین روزگار گشت پادشاه ایران و پادشاه

کتاب نظم و نثری از گذشتهگان با آیندگان که با سر پای و آرد این بنیاد چاپ و توزیع میشود باید منطبق باقیست افغند
و قنانه باشد و هر چه زبان دری در نظر این زبان و حکیم وحدت ملی و تقویت کشور ایران باشد و بوی از ناحیه کربالی و جدا
طلبی ندهد و محاسبت ترویج از لجه های محلی در زبانهای خارجی به قصد تصنیف زبان فارسی دری نکند. خلاصه آنکه این کتابها
رسالات باید منزه باشد از روشهای تفرد آمیز و سیاستهای فتنه انگیز و بطور مر موز و حدیثی منحصرا نباید آلوده باشد
با اغراض سیاسی خارجی و در لغات پرورش تاریخی، ژوادی یا ادبی و فرسنگی و ایران شناسی.

کتاب تاریخی ادبی، عالمانه، خارجی که از عربی و ترکی و فرسنگی و روسی به فارسی ترجمه میشود اگر دارای هر دو جنبه از سود
زیان باشد باید قسمت سودمند آن ترجمه شود قسمت بیان بخش اگر ترجمه شود باید به قصد مبارزه و مقابل عالمانه با آن باشد
چنانچه زیرا گفته منطقی مکن است مؤثر باشد نه شناسا و سوچی گری این بنیاد در انتشارات خود باید در هر حال از دروغ و نا
پر سیز کند. به گفته نظامی کنجوری: چونان هستی اوج کرد دروغی انباید فرج کرد

برای چاپ انتشار کتب رسالات نه تنها هزینه و حق الزحمه نیزه ایم بلکه به سبب اهمیت فوق العاده سودمند بودن کتاب
جایزه نیزه میرویم. این بنیاد در چاپ انتشار کتابهای خود بطور مسلم ضرر را در نظر نگذاشته از ارزش تمام شدن، از
کافه چاپ و غیره از راه فروش آید دارد. شاید بعضی تصور کنند که کار ما شبیه به معالجه مردم ملاحظه الدین باشد که تخم
میخ میفروشد و اسی و شایه ای نیست و رنگ می کرد و می فروخت یک شایه عقیده ما اینست که اگر در این مؤخره
و مالی می کنیم سود منوی که منظور است می بریم، و آن اینکه عقیده خود را که ترویج زبان دری و حکیم وحدت ملی و تقویت ملی
ایران است و ادعای ایم این زبان و حساب معارف و تف در راه آید آمل و هدف ملی خود محسوب می آید.

برای اطلاعات و توضیحات بیشتر لطفاً بنگاه منتشر شده در بندهای کتابهای این بنیاد که اضافات و تقاضاهای که با هم

و کتبه محسنه افغان

آشنه ۱۳۲۴

دارد توجه فرمائید.

مقررات مربوط به جایزه های ادبی و تاریخی

ماده ۲۴ و قفسه اول

چنانچه در آرد موقوفات به مقدار قابل افزایش باید واقف یا شورای تولیت می تواند علاوه بر تالیف و ترجمه و چاپ کتب مصلحتی از آن را تخصیص به جوایز برای تشویق دانشمندان، دانش پژوهان، نویسندگان و شاعران بدهند، بالاخص برای بهترین نویسندگان و شاعران در مجله آینده، بنابراین باید شعرا و نویسندگان را به سرودن اشعار و تصنیف قطعات نظم و نثر وطنی و ملی و اجتماعی، طرح اقتراعات و مسابقات و دادن جوایز در آرد موقوفات تشویق و ترغیب نمود، تخصیص این امور در زمان حیات با واقف است که با مشورت دوستان مطلع خود انجام می دهد پس با نیت شش نفره است که دو سوم از متولیان و یک سوم از نیت یرده شرکت مطبوعاتی آینده یا هر کس را که آنها و اینها به جای شان معین کنند، مرکب خواهد بود.

ماده ۵۵ و قفسه پنجم

بسیب انحلال شرکت مطبوعاتی آینده آنچه در مورد تخصیص امور مربوط بدان جوایز طبق ماده ۲۴ و قفسه اول متوخ دیماه ۱۳۲۷ به عهده آن شرکت محول بوده از میان رفته و انجام آن امور منحصراً به عهده واقف پس شورای تولیت است که می تواند از اهل بصیرت یاری بخواهد.

یادداشت واقف

جوایز جوایزی که در این موقوفات تعیین شده نیز مانند سایر امور آن پیرامون هدف آن است تکمیل وحدت ملی به وسیله زبان فارسی یعنی کتب و رسالات و مقالات و اشعاری که پیرامون این هدف نوشته شود، خواه به زبان فارسی، خواه به زبانهای دیگر، خواه به وسیله ایرانیان، مطلقاً دیگر خواه در خود ایران، خواه در خارج می تواند نامزد دریافت جایزه گردد برای این کار آیین نامه ای باید تهیه شود، اجمالاً اصول آن را یادداشت می کنم.

کراس ۷۸/۸/۴ (۱۹)

جایزه های داده شده و تاریخ اعطای آنها

۱	۱۳۶۸	دکتر غیاث احمد	دانشمند هندی، استاد بازنشسته دانشگاه علیکیره (هندوستان)
۲	۱۳۶۹	دکتر غلام حسین یوسفی	دانشمند ایرانی، استاد بازنشسته دانشگاه فردوسی (مشهد)
۳	۱۳۶۹	دکتر امین عبدالمجید بدوی	دانشمند مصری متخصص ادبیات فارسی، استاد دانشگاه عین شمس (قاهره)
۴	۱۳۷۰	دکتر سید محمد دبیر سیاتی	دانشمند ایرانی، از موسسه نقاشانه دهندا
۵	۱۳۷۰	دکتر ظهیر الدین احمد	دانشمند پاکستانی، استاد بازنشسته دانشگاه پنجاب (لاهور)
۶	۱۳۷۵	جان چون نین	دانشمند صنی، استاد و رئیس بخش فارسی دانشگاه پکن (چین)
۷	۱۳۷۷	دکتر کمال الدین عینی	دانشمند تاجیکستانی، استاد و متخصص ادبیات فارسی (دوشنبه، تاجیکستان)
۸	۱۳۷۹	دکتر منوچهر ستوده	دانشمند ایرانی، استاد بازنشسته دانشگاه تهران
۹	۱۳۸۲	دکتر عبدالحسین زرین کوب	دانشمند ایرانی، استاد بازنشسته دانشگاه تهران
۱۰	۱۳۸۰	کلیفورد ادوموند باسورث	دانشمند انگلیسی، استاد بازنشسته دانشگاه پنجره جنوبی آکادمی بریتانیا (انگلستان)
۱۱	۱۳۸۲	فریدون مشیری	سخنرانی نامور ایرانی
۱۲	۱۳۸۲	تسونو کورو یاماگی	دانشمند ژاپنی، استاد ممتاز دانشگاه مطالعات خارجی توکیو (ژاپن)
۱۳	۱۳۸۳	پرفور ریچارد فرای	دانشمند آمریکایی، استاد پیشین ایرانشناسی دانشگاه هاروارد (آمریکا)
۱۴	۱۳۸۵	انسن دو بروین	دانشمند هلندی، استاد پیشین زبان فارسی دانشگاه لیدن (هلند)
۱۵	۱۳۸۶	نجیب ییل هروی	دانشمند افغانستانی، پژوهشگر و صحیح متون عرفانی
۱۶	۱۳۸۶	شارل هانزی دو فوشکور	دانشمند فرانسوی، استاد پیشین دانشگاه پاریس (فرانس)

یادداشت

سال ۱۳۷۸ که با یکصدمین سال تولد محمد قزوینی مقارن بود، گردآوری این مجموعه آغاز شد و انتظار می‌رفت با فاصله کوتاهی از آن زمان انتشار بیابد. اما چنان نشد و اکنون به مناسبت و پس از چاپ شدن نخستین مجلد از یادداشتهای او موسوم به «مسائل پاریسیه» انتشار پیدا می‌کند.

یادکرد قزوینی به هر مناسبتی مغتنم است و هرچند مجموعه‌ای که به یاد او گردآوری و چاپ شود در قبال خدمات مهم او به ادب و تاریخ ایران قدرشناسی ناچیزی است. جز آن چون واقف این موقوفات با آن دانشمند جلیل دوستی شخصی داشت و میانشان مکاتبه و در دوران اقامت قزوینی در اروپا و تهران دیدارهای مشتاقانه برقرار بود مناسبت داشت چنین مجموعه‌ای برای ادای احترام خاص به آن بزرگوار از سوی این موقوفه انتشار یابد.

❖

درین مجموعه بیست و یک گفتار مندرج است. شانزده گفتار نوشته دانشمندان و پژوهشوران ایرانی و پنج گفتار از ایرانشناسان اروپا و ترکیه است. در میان مقالات فارسی دو مقاله با جهانگشای جوینی مرتبط است. یکی دربرگیرنده حواشی دستخط قزوینی است بر نسخه چاپی آن کتاب و طبعاً زبده ملاحظاتی است که او با وسواس مخصوص به خود در بازبینی متن بدانها توجه کرده بوده است. دیگری یازده نکته توضیحی و اصلاحی است که نویسنده مقاله به مناسبت شناسانده شدن نسخه مورخ ۶۹۸ توانسته است برای آن متن بیاید.

قزوینی نخستین پردازنده و مصحح دیوان حافظ به اسلوب تصحیح متون است و هنوز آن متن ارزش علمی خود را حفظ کرده است. دو پژوهشگر به آن مناسبت دو گفتار درباره دیوان حافظ نوشته‌اند. یکی ملاحظاتی است بر چاپ مشهور و کبارساز دکتر پرویز نائل

خانلری که اکنون رواج بسیار گرفته و دیگری نکاتی است پیرامون اشعار حافظ با توجه به متن مضبوط قزوینی.

گفتاری که «گوشقان» نام دارد مربوط می‌شود به نام یک آبادی که به شکل سفاق در جهانگشا آمده و شادروان قزوینی آن را «مشکوکه القراءة» یاد کرده و نویسنده با مطالعات متنی و مشاهدات محلی دریافته است که منظور «گوشقان» در خطهٔ اسفراین بوده است.

از همین گونه دقتها در مقاله‌ای دیده می‌شود که ناظرست به چگونگی و چه بودی کلمهٔ «النشوی» و نام محمد بن سرخ نیشابوری که در چهار مقاله مذکورست و قزوینی نسبت به ضبط آن احتمالات و توضیحاتی را لازم دیده بوده است. اینک پس از قریب صد سال که از نشر چهار مقالهٔ قزوینی می‌گذرد بر اساس نشر متونی مانند المنتخب من السیاق عبدالغافر مشخص می‌شود که اولی تصحیف «الاشقر» است و به همان مناسبت در «سیاق» به «المعروف بصرخ» عنوان شده و هر دو شهرت را طبعاً داشته و به معجم السفر سلفی هم دربارهٔ شخص دیگری که نامش سرخ بوده استناد شده است.

گفتاری که دربارهٔ رسم الخط نسخه‌های خطی فارسی است از پژوهشهای ماندگاری است که طبعاً راه و روش و رهبری پیشگامانهٔ قزوینی موجب دست یازیدن به چنین کارهای بنیادی و نخستین شده است.

گفتاری که «چاچله» عنوان دارد باز از ریزه‌بینی‌های میدان پژوهش متون است و از نوعی است که قزوینی مانده‌های زیادی ازین واژه‌های تازه‌یاب و دیردید را که در میان متون می‌یافت در یادداشتهای وریقاتی خود و همچنین در «مسائل پاریسیه» یادداشت می‌کرد و به تجسس می‌پرداخت که مگر نشان آنها را در متون مختلف بیابد، یا اگر در افواه مانده است به ضبط درآورد.

هشت گفتار به شناساندن متون یا نسخه‌های آنها و یا آوردن عین متن یا بحث در چونی تصحیح و ضرورت‌های آینده و استخراج واژگانی آنها اختصاص دارد. طبعاً همه مواردی است که اگر قزوینی در حیات بود از خواندن آنها دلشاد می‌شد و نوع این کارها در قلمروی است که او پیشگام و راه‌گزين بر دیگران بود.

دوستان یایرانشناس خارجی نیز در گفتارهای خود به علایق و سلیقهٔ علمی قزوینی توجه کرده‌اند. در یک گفتار نسخهٔ خمسةٔ جمالی (به فارسی)^۱ و در گفتاری دیگر سرگذشت

عماد فقیه (به انگلیسی)^۱ و در گفتاری دو نسخه خطی مربوط به علوم قرآنی (به انگلیسی)^۲ و در چهارمی وضع حروف فارسی (به فرانسده)^۳. در آن که به زبان ترکی است چگونگی نسخه‌ای فلسفی مورد بحث است از سال ۱۰۷۸ هجری که در انجامه‌اش سخن از نسخه‌هایی است که مبدأ و منشأ نسخه نقل شده بوده‌اند (به ترکی) و طبعاً از نظر تصحیح متن مؤثر تواند بود، زیرا چنین نسخه‌هایی که «پدر مادرشان» شجره‌وار مشخص باشد مرتبتهی خاص می‌توانند داشته باشند.^۴

ایرج افشار

تهران - دوازدهم مهرماه ۱۳۸۵

۱. O. Akimushkin (متخصص نامور نسخه‌های فارسی و عربی و ترکی در فرهنگستان سن پترزبورگ).
۲. F. de Blois (متخصص کتابشناسی ادبیات فارسی مخصوصاً از سقوط ساسانی یا عصر مغول و دنبال‌کننده تألیف کتاب نوشته‌های فارسی کارل استوری).
۳. C. H. Fouchécour (استاد پیشین زبان فارسی در مدرسه زبانهای شرقی پاریس و مؤسس نشریه *Abstracta Iranica*). و در سال ۱۳۸۶ شانزدهمین جایزه ادبی و تاریخی دکتر محمود افشار به ایشان داده شد.
۴. M. Bayram (استاد زبان فارسی دانشگاه ازمیر).

به جای مقدمه

عقیده قزوینی راجع به زبان فارسی (هشتاد و چهار سال پیش)

۲۲ مه ۱۹۲۲ - ۵ رمضان ۱۳۴۰^۱

دوست عزیز مکرم آخرین تعلیقه حضرت عالی از بوشهر مورخه ۴ مارس زیارت گردید و همچنین مرقومجات شریفه که از عرض راه به سرافرازی مخلص ارسال داشته بودید. از سلامتی مزاج مبارک و از ورود به وطن عزیز سالمأ غانماً نهایت خوشحال شدم و همچنین از نیک بینی Optimisme که در خصوص ایران و مردم ایران و اوضاع ایران اظهار داشته بودید خیلی باعث قوت قلب و فرح روحانی گردید، ولی برعکس از منظره چرکین و کثیف (هم صوراً و هم معنی) روزنامجات «فارسی» که فی الحقیقه فقط آنها را «فارسی» می توان گفت، چون در جزو هیچ زبانی دیگر از زبانهای دنیا نمی توان داخل نمود، و الا زبان عبری به فارسی نزدیکتر است.

از این ورق پاره های ننگین من بسیار افسرده شدم و به رأی العین می بینم که زبان شیرین سعدی و حافظ مبدل به چه آش شله قلمکاری شده است و کم کم بکلی دارد از میان می رود. خدای واحد شاهد است که اغلب عبارات آنها را که با وجود دو سه مرتبه تکرار هیچ نفهمیدم و اگر ده سال دیگر من عمر کنم و دوباره چشمم به این روزنامه های متعفن بیفتد، قطعاً هیچ حتی یک کلمه آن را هم نخواهم فهمید.

ای سعدی و ای حافظ، ای انوری، ای فردوسی سر از قبر درآرید ببینید اخلاف

* نقل از مجموعه «نامه های دوستان»، گردآوری دکتر محمود افشار. به کوشش ایرج افشار، بنیاد موقوفات دکتر افشار، ۱۳۷۵.

ناخلف شما زبان شیرین نمکین عذب‌البیان شما را به چه روز درآورده‌اند و چه خوب گفته است خاقانی:

آن مصر مملکت که تو دیدی خراب شد وان نیل مکرمت که تو دیدی سراب شد
ای آدم الفیث که از بعد این خلف دارالخلافت تو خراب و بیاب شد

و چه خوب گفته است معزی:

بر جای رطل و جام می. گوران نهادستند پی

بر جای چنگ و عود و نی، آواز زاغ است و زغن

اگر کسی جهاد فی سبیل‌الله بخواهد بکند، یا در وطن بخواهد بهترین اعمال مقدّسه را انجام دهد باید با تمام قوئی در برانداختن این ماده‌های سل و طاعون و سرطان بکوشد. من دویائی روی قرآن می‌روم و به دو دست بریده حضرت عباس قسم می‌خورم که ضرر روس و انگلیس، بلکه تسلط و تصرف آنها ایران را، به مراتب ضررش کمتر است ازین روزنامجات که در سرتاسر ایران مانند قورباغه‌ها صدا به صدا داده و مانند شغالها، یکی بعد از دیگری همه به یک آهنگ و به یک رویه همان عبارات و جمل و کلمات مستهجن مستقیم مهووع را استعمال می‌کنند. بدبختها یکی توی اینها Original و بکر نیست که اقلّ از خودش یک طرز مخصوص داشته باشد. مثل اینکه همه روزنامجات عده‌ای از فنوگرافها هستند که در یک «فابریک» ساخته شده‌اند و همه همان صفحات ناقل‌الصوت را دارند. تفو بر تو ای چرخ گردون تفو.

من هیچ باور نمی‌کردم اینقدر عمر کنم که آخر زبان فارسی را به این‌طور به خاکستر سیاه نشانده بینم و هیچ بالله، تالله گمان نمی‌کردم که جنس ایرانی که غارت دویست سیصد ساله عرب و استیلای دویست ساله مغول را دیده و از سر خود رد کرده و زبان خود را از میان آن همه امواج متلاطمه حوادث و تاخت و تازهای امم وحشیه سالم و صحیح بیرون آورده و به دست ما اولاد ناخلف عاق والدین داده، بالاخره این‌طور میمون و بوزینه بشود که کله پوچ بی مغزش هیچ از خود نداشته و چشم و دهنش به دست عثمانیها و فرانسه‌ها باشد و عین عبارات اولیها و عین ترجمه عبارات دومیها را در عبارات خود استعمال کند.

مگر عبارات و اصطلاحات در فارسی قحط است که انسان گدائی از ملل خارجه که هیچ ربط و مشاکله‌ای با ما ندارند بنماید، مگر درین شصت هزار بیت که فردوسی گفت و تمام تاریخ و افسانه ایران را در آن با کمال فصاحت بیان نمود هیچ وقت در تعبیرات آن قدر مضطر شد که از عرب یا ترک مثلاً بگیرد.

فهرست نسخ فارسی کتابخانه موزه لندن قریب هشت هزار نسخه فارسی را داراست. آیا در این هشت هزار کتاب مؤلفین آنها محتاج شدند برای ادای مطالب خود به استقراض (بلکه به استراق) عبارات خارجه؟ والله داغی به دل من گذارید که تا مدت‌ها جایش ملتئم نخواهد شد.

ای کاش کشتی که این روزنامه‌ها را می‌آورد غرق می‌شد. لعنت خداوند و ملائکه‌اش و انبیا و اولیا و اوصیا و انقیاء و صلحا بر نویسندگان این روزنامجات و محررین آنها و سردبیران آنها و مستخدمین آنها و چاپ‌چی‌های آنها و تمام عملجات آنها بیاید. حیف که پیغمبر نیستم و معجزه ندارم تا از خدا درخواست کنم که یک دسته به عدد اجزاء این روزنامجات طیراً ابابیل بفرستد و در دهان هریک از آنها یک سنگریزه و آنها را بر مغزهای پوک این بی‌حمیتان زده مثل عساکر ابرهه و اصحاب الفیل و از...^۱شان بیرون بیاید.

و نیز حیف که پادشاهی مقتدر مستبدی هم نیستیم که حکم کنم تمام این عملجات موت را (یعنی موت زبان فارسی را) توقیف کرده، تمام را در یک روز و در جلوی خودم به دهان توپ گذارده لاشه آنها را به خورد سگها و شغالها بدهم! (باوجود اینکه من از کشتن یک گنجشک عاجز هستم و از دیدن آن تقریباً ضعف می‌کنم).

چاره‌ای ازین بُعد مسافت و با این عجز و ضعف جز این ندارم که با کلفت اوقات تلخی کرده حرص خودم را بر سر او خالی کنم و غیظ خودم را به واسطه شکستن استیکان نعلیکی تسکین بدهم! و این هم می‌بینم چندان مفید به حال اصلاح جراید فارسی نیست! باری ببخشید خیلی عصبانی شدم و عریضه را بی جهت طول دادم. هرچه از دستتان برمی‌آید جهاد فی سبیل‌الله در این راه بفرمائید که فی الواقع حسانتش از جهاد با کفار حربی هزار درجه بالاتر است و این را حقیقت می‌گویم نه مبالغه شاعرانه. چه کفار

۱. نقطه چین در اصل است.

حربی منتهی چندین هزار آدم می‌کشند. ولی ملت را که از میان نمی‌برند، ولی این میکروبیهای سرطان و وبای زبان فارسی اگر دوام بکنند و تمام بدن لاغر بی بنیه این زبان شریف را فاسد نمایند. واضح است که طولی نمی‌کشد که اصل ملت ایران مثل هزاران ملل تاریخی دیگر بکلی از میان رفته جزو ملل دیگر و مستهلک در اقوام دیگر می‌شوند.

چه خود سرکار از همه بهتر می‌دانید که از میان رفتن ملل معنیش این نیست که تمام آنها را دانه و رچین قتل‌عام کنند، بلکه معنی آن، آن است که به واسطه از دست رفتن عوامل ملیت از زبان و مذهب و عادات و منقولات و افسانه‌ها خود آن ملت مستهلک در ملل دیگر می‌شود، و الا کم ملتی است که تمام افراد آن را فرداً فرداً گرفته لب باغچه سر بریده باشند و آن وقت بگویند آن ملت از میان رفته است.

باری ببخشید. می‌بینم کاغذ تمام شد و به مطلب دیگر نپرداخته‌ام. اگرچه مطلبی ازین مهم‌تر نبود. مستدعی هستم همیشه مرا به تعلیقات شریف خود مفتخر سازید و مرا تا اندازه‌ای از اوضاع شخصی خودتان و اوضاع عمومی به قدر امکان و فرصت مستحضر سازید.

مخلص تحقیقی - محمد قزوینی